



کلیه حقوق اعم از تکثیر و چاپ ، نسخه برداری ، اقتباس و ... از پایان نامه‌ی
کارشناسی ارشد برای دانشگاه بیرجند محفوظ است.



دانشگاه بیرجند

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

رنگ در شعر خاقانی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر محمد بهنام فر

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر علی اکبر سام خانیانی

نگارش :

فاطمه قلی زاده

زمستان ۱۳۸۹

چکیده

افضل الدین بدیل خاقانی شروانی یکی از سخنوران قوی طبع و صاحب سبک سده‌ی ششم مخصوصاً درحوزه‌ی قصیده سرایی در ادبیات فارسی است؛ نقاش چیره دستی است که زیباترین تابلوها را در اشعار خود به تصویر کشیده است و به عنوان شاعری ترکیب ساز و تصویر آفرین معروف شده است.

از آنجا که عنصر رنگ و مفاهیم مربوط به آن در یک اثر ادبی با احساس و ادراک خالق آن اثر پیوند دارد و بیانگر حالات عاطفی و خواسته های درونی شاعر است و نمودار باورهای مردمی و فرهنگ جامعه است؛ در این پژوهش سعی شده است با تحلیل رنگ از دیدگاه جامعه شناختی، زیبا شناختی، روان شناختی در شعر خاقانی، شناخت بیشتری نسبت به اندیشه ها و حالات درونی شاعر و زندگی و هنجارهای اجتماعی و هنر شعری او پیدا شود.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که رنگ، یکی از عناصر بنیادین در خلق تصویرهای بدیع و ترکیب‌های زیبای شعر خاقانی است. ذهن خلاق و بلند او در آفرینش مضامین و ترکیبات نو و رنگین مخصوصاً استعاره و تشبیه شعرش را تازگی و طراوت خاصی بخشیده است. خاقانی شاعر حساس و زودرنجی است که به شدت تحت تاثیر وقایع روزگار خود بوده و چهره‌ی تاریک و افسرده‌ی زندگی، در اشعار او بازتاب گسترده‌ای دارد؛ لذا، بسامد رنگ‌های تیره در قصاید او نسبت به رنگ‌های دیگر بالاتر است. هرچند وجود رنگ‌های مختلف در سروده‌های خاقانی حکایت از نگاه همه‌جانبه و دقیق او به جهان و زیبایی‌های آن دارد و بیانگر این حقیقت است که وی شخصیت زنده و پویایی دارد و علی‌رغم تمام سختی‌ها و تیرگی‌های زندگی فردی و اجتماعی می‌خواهد با تصاویر رنگین سروده‌های خود به انسان نشاط و امید بخشد.

کلید واژه‌ها: خاقانی، دیوان خاقانی، تحفه العراقین، رنگ، تحلیل روان شناختی، تحلیل جامعه‌شناختی، تحلیل زیبا شناختی

فهرست مطالب

۱۲ مقدمه
۱۷ فصل اول : کلیات
۱۷ ۱.۱. گذری بر رنگ در ادب فارسی
۲۲ ۲.۱. گذری بر رنگ در فرهنگ اسلامی
۲۲ ۱.۲.۱. رنگ سفید
۲۳ ۲.۲.۱. رنگ سبز
۲۳ ۳.۲.۱. رنگ سیاه
۲۴ ۴.۲.۱. رنگ زرد
۲۴ ۵.۲.۱. رنگ سرخ
۲۴ ۶.۲.۱. رنگ آبی
۲۵ ۳.۱. گذری بر رنگ در عرفان
۲۵ ۱.۳.۱. رنگ سیاه
۲۶ ۲.۳.۱. رنگ ازرق
۲۶ ۳.۳.۱. رنگ سفید
۲۷ ۴.۳.۱. رنگ سرخ
۲۷ ۵.۳.۱. رنگ سبز
۲۷ ۶.۳.۱. رنگ زرد
۲۸ ۴.۱. گذری بر رنگ در اساطیر
۲۸ ۱.۴.۱. رنگ سفید
۲۹ ۲.۴.۱. رنگ سیاه

۲۹	۳.۴.۱	رنگ زرد
۲۹	۴.۴.۱	رنگ آبی
۲۹	۵.۴.۱	رنگ سبز
۳۰	۶.۴.۱	رنگ سرخ
۳۰	۵.۱	گذری بررنگ در بین ادیان و ملل
۳۰	۱.۵.۱	رنگ سفید
۳۰	۲.۵.۱	رنگ سیاه
۳۱	۳.۵.۱	رنگ زرد
۳۱	۴.۵.۱	رنگ سرخ
۳۲	۵.۵.۱	رنگ آبی
۳۲	۶.۵.۱	رنگ سبز
۳۲	۶.۱	گذری بر رنگ در کاربردهای امروزی
۳۲	۱.۶.۱	رنگ سفید
۳۲	۲.۶.۱	رنگ زرد
۳۲	۳.۶.۱	رنگ سرخ
۳۳	۴.۶.۱	رنگ آبی
۳۳	۵.۶.۱	رنگ سیاه
۳۳	۶.۶.۱	رنگ سبز
۳۴		فصل دوم : رنگ در شعر خاقانی
۳۴	۱.۲	معانی مختلف رنگ در شعر خاقانی
۳۶	۲.۲	گروه های رنگ در شعر خاقانی

۳۸	۳.۲	تحلیل جامعه شناختی عنصر رنگ در شعر خاقانی
۳۹	۱.۳.۲	عنصر رنگ در آداب و رسوم
۳۹	۱.۱.۳.۲	بازی ها و سرگرمی ها
۴۲	۲.۱.۳.۲	لوازم کتابت
۴۲	۳.۱.۳.۲	پوشش ها
۴۵	۴.۱.۳.۲	وسایل زندگی
۴۶	۵.۱.۳.۲	مراسم سوگواری
۴۸	۶.۱.۳.۲	وسایل رزمی
۴۹	۲.۳.۲	عنصر رنگ در باورها و پندارها
۵۰	۱.۲.۳.۲	آتش خواری شترمرغ
۵۰	۲.۲.۳.۲	آفتاب و لعل یاقوت
۵۰	۳.۲.۳.۲	ادیم و ستاره سهیل
۵۰	۴.۲.۳.۲	چشم زخم
۵۱	۵.۲.۳.۲	خماهن و آسمان
۵۲	۶.۲.۳.۲	خورشید روم پرور و ماه حبش نگار
۵۲	۷.۲.۳.۲	رجم شیطان
۵۲	۸.۲.۳.۲	رنگرزی ماه
۵۲	۹.۲.۳.۲	سرچشمه اشک
۵۳	۱۰.۲.۳.۲	شیر و آتش
۵۳	۱۱.۲.۳.۲	غروب آفتاب
۵۳	۱۲.۲.۳.۲	گنج و مار

۵۴ مار و زمرد .۱۳.۲.۳.۲
۵۴ عنصر رنگ در دانش‌های روزگار .۳.۳.۲
۵۴ جانورشناسی .۱.۳.۳.۲
۶۲ گیاه شناسی .۲.۳.۳.۲
۶۶ موسیقی .۳.۳.۳.۲
۶۸ طب .۴.۳.۳.۲
۷۰ نجوم .۵.۳.۳.۲
۷۲ جغرافیا .۶.۳.۳.۲
۷۳ کانی ها .۷.۳.۳.۲
۷۵ عنصر رنگ در نقد اجتماعی .۴.۳.۲
۷۵ محیط زندگی خاقانی .۱.۴.۳.۲
۷۷ روزگار از نگاه خاقانی .۲.۴.۳.۲
۷۸ مضامین درباری و اشرافی .۳.۴.۳.۲
۷۹ تحلیل زیباشناختی عنصر رنگ در شعر خاقانی .۴.۲
۸۰ شیوهی شاعری خاقانی : .۱.۴.۲
۸۲ رنگ در استعاره .۲.۴.۲
۸۳ رنگ در انواع استعاره در شعر خاقانی .۱.۲.۴.۲
۸۶ رنگ در استعاره های مربوط به طبیعت .۲.۲.۴.۲
۹۴ رنگ در استعاره‌های مربوط به انسان .۳.۲.۴.۲
۹۶ رنگ در استعاره‌های مربوط به آداب و رسوم .۴.۲.۴.۲

- ۹۸ ۵.۲.۴.۲ رنگ در اعتقادات مذهبی
- ۹۹ ۳.۴.۲ رنگ در تشبیه
- ۱۰۰ ۱.۳.۴.۲ رنگ در انواع تشبیه
- ۱۰۴ ۲.۳.۴.۲ رنگ در تشبیهات مربوط به طبیعت
- ۱۰۷ ۳.۳.۴.۲ رنگ در تشبیهات مربوط به انسان
- ۱۰۹ ۴.۳.۴.۲ رنگ در تشبیهات مربوط به آداب و رسوم
- ۱۱۰ ۵.۳.۴.۲ رنگ در تشبیهات مربوط به اعتقادات دینی
- ۱۱۰ ۴.۴.۲ رنگ در کنایه
- ۱۱۱ ۱.۴.۴.۲ واژه ی رنگ در ترکیبات کنایی
- ۱۱۲ ۲.۴.۴.۲ رنگ سفید در ترکیبات کنایی
- ۱۱۲ ۳.۴.۴.۲ رنگ زرد در ترکیبات کنایی
- ۱۱۳ ۴.۴.۴.۲ رنگ سرخ در ترکیبات کنایی
- ۱۱۳ ۵.۴.۴.۲ رنگ تیره در ترکیبات کنایی
- ۱۱۴ ۶.۴.۴.۲ رنگ سبز در ترکیبات کنایی
- ۱۱۴ ۵.۴.۲ رنگ در تلمیح
- ۱۱۵ ۱.۵.۴.۲ رنگ در اشارات مذهبی
- ۱۲۳ ۲.۵.۴.۲ رنگ در اشارات اساطیری
- ۱۲۴ ۳.۵.۴.۲ رنگ در آیین های باستانی
- ۱۲۴ ۶.۴.۲ رنگ در تمثیل
- ۱۲۵ ۷.۴.۲ رنگ در تناسب
- ۱۲۶ ۸.۴.۲ رنگ در تضاد

۱۲۶.....	۹.۴.۲. رنگ در ایهام
۱۲۷	۱۰.۴.۲. رنگ در حسن تعلیل.....
۱۲۷	۱۱.۴.۲. رنگ در لف و نشر.....
۱۲۸	۱۲.۴.۲. رنگ در التزام.....
۱۲۹.....	۵.۲. تحلیل روان شناختی عنصر رنگ در شعر خاقانی
۱۳۳	۱.۵.۲. رنگ سیاه
۱۳۶.....	۲.۵.۲. رنگ زرد
۱۳۹	۳.۵.۲. رنگ سرخ
۱۴۱	۴.۵.۲. رنگ سفید
۱۴۳	۵.۵.۲. رنگ سبز
۱۴۶.....	۶.۵.۲. رنگ آبی
۱۴۸	۷.۵.۲. رنگ بنفش
۱۵۰.....	نتیجه گیری
۱۵۲.....	جداول و نمودارها.....
۱۵۸.....	کتابنامه

فهرست جدول ها و نمودارها

۱۵۲.....	جدول و نمودار ۱.....
۱۵۳.....	نمودار ۲.....
۱۵۴.....	جدول ۲ و نمودار ۳.....
۱۵۵.....	جدول ۳.....
۱۵۶.....	جدول ۴.....
۱۵۷.....	جدول ۵ و نمودار ۴.....

« هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى »

(حشر: ۲۴)

مقدمه

به نام صورتگر مطلق که هستی را سرشار از جلوه‌های رنگارنگ و چشم اندازهای بدیع نمود ، رنگ‌هایی که مایه‌ی آرایش جهان و آرامش انسان است و تعدیل‌کننده‌ی نیازهای روحی و جسمی او . ادبیات هنری است که اندیشه و احساسات را به تصویر می‌کشد . « ادبیات " نقاشی ناطق " است و جهان ملموس و دنیای درون ، ظرایف و اندیشه و احساس ما را بیان می‌سازد » (جفه روف ، ۱۳۵۴: ۵۲) هر اثر ادبی ، آیینه‌ی تمام‌نمای شخصیت و روحیات خالق آن است . یکی از عناصری که ما را در شناخت بهتر شاعر یاری می‌کند ؛ عنصر رنگ است که سهم عمده‌ای در خلق تصاویر شاعران و خلاقیت‌های هنری آن‌ها دارد .

افضل الدین بدیل خاقانی شروانی ، یکی از سخنوران قوی طبع و صاحب سبک قرن ششم هجری است . نقاش چیره‌دستی که زیباترین تابلوها را در شعر خود به تصویر کشیده است و به عنوان شاعر ترکیب‌ساز و تصویر آفرین معروف گشته است . و به قول یکی از صاحب‌نظران : « زبان فارسی در دست خاقانی مانند موم نرم است و قدرت تصویر سازی و ترکیب آفرینی او در حد اعجاز است » (شفیعی کدکنی ، ۱۳۷۲: ۱۲۳) .

شعر خاقانی به زبانی رنگین از گذشته‌ی ایران و ایرانی با ما سخن می‌گوید و با تصاویر ملموس و محسوس ما را با باورها و آداب و رسوم آن روزگار آشنا می‌سازد ؛ از طرفی بیانگر احساسات و عواطف درونی شاعر است و جلوه‌هایی از شخصیت و اندیشه‌ی او را به تصویر می‌کشد . ذهن خلاق شاعر به مدد نیروی تخیل و کلمات رنگین ، زیباترین تصاویر را از طبیعت و اجتماع فرا روی خواننده قرار می‌دهد .

خاقانی با استفاده از نیروی جادویی رنگ ها به آفرینش شاعرانه ی خود شکوهی خاص می‌بخشد و برای نمود رنگ های گوناگون از تمامی عناصر ممکن محیط زندگی و طبیعت پیرامون خود بهره می‌جوید؛ حتی به رنگ سنگ ها و فلزات معدنی چون: فیروزه، لعل، یاقوت، زمرد، الماس، سیم و زر؛ نام گل ها چون: لاله، سوسن، نرگس، ارغوان، گلنار، سمن؛ مواد معطر مانند: گالیه، عنبر، زعفران، مشک، کافور و عود؛ نام جانوران چون: زاغ، طاووس، پلنگ، ادهم، ابلق، اشتهب و ... و نام ستارگانی چون: زحل، مریخ و مشتری توجه کرده است و با استفاده از آن ها بر دامنه‌ی لغاتی که بر رنگ دلالت می‌کنند، افزوده است.

از آنجا که عنصر رنگ و گونه‌های کاربردی آن با استواری تمام به احساس و ادراک خالق اثر پیوند خورده است؛ دقت در کاربرد عنصر رنگ در شعر خاقانی می‌تواند دریچه‌ای تازه برای شناخت این اثر بزرگ به روی ما باز کند و ما را در شناخت شخصیت و جهان بینی او یاری بخشد.

هدف پژوهش:

هر انسانی مطابق ذوق و استعدادهای خویش به رنگی خاص دل می‌بندد و از رنگی دیگر متنفر است. از آنجا که رنگ ها گاه موجب بروز خلاقیت ها و استعدادها می‌گردند، شاعر نیز به عنوان یک انسان خلاق می‌کوشد تا به یاری ذوق و علاقه و قدرت تخیل و با کمک رنگ ها به بیان تجارب روحی خویش بپردازد. نگارنده، این موضوع را برای رساله انتخاب کرده است تا با بررسی رنگ در شعر خاقانی (دیوان و تحفه العراقین) از جنبه‌های گوناگون جامعه‌شناختی، زیباشناختی و روانشناختی، قدرت هنری این سخنور بزرگ را بیشتر بر همگان آشکار سازد؛ و نگرش و جهان بینی او را نسبت به زندگی و هستی نشان دهد؛ زیرا این شاعر دیر آشنا به دلیل دشواری سخن، کمتر مورد توجه و پژوهش دانشجویان قرار گرفته است.

ضرورت تحقیق:

خاقانی از شعرای برجسته و صاحب سبک قرن ششم هجری است و سبک شعری او بر شعرای پس از او تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. بررسی شعر او از جنبه‌های مختلف روانشناختی، زیباشناختی، جامعه‌شناختی خواننده را با هنر شاعری وی آشنا می‌سازد و با توجه به این که میزان کاربرد عنصر

رنگ در شعر خاقانی چشمگیر است ضروری می نمود که این عنصر در شعر خاقانی مورد بررسی قرار گیرد.

نگارنده در این پژوهش کوشیده است با تحلیل شعر او از جنبه های گوناگون با توجه به عنصر رنگ گامی در جهت شناخت و فهم بهتر زیبا شناختی ، روانشناختی و جامعه شناختی شعر خاقانی بردارد .

پرسش های تحقیق :

- ۱- شاعر از چه رنگ هایی بیشتر استفاده کرده است ؟
- ۲- رنگ چه نقشی در تصویر آفرینی و ترکیب سازی و زیبا یی شعر خاقانی داشته است ؟
- ۳- رنگ چه نقشی در مضمون آفرینی خاقانی داشته است؟
- ۴- چه رابطه ای بین رنگ و عواطف شاعرانه و اوضاع اجتماعی روزگار خاقانی وجود دارد ؟

فرضیه ها :

- ۱- خاقانی از رنگ های تیره بیشتری استفاده را کرده است.
- ۲- در تصویر سازی و ترکیب آفرینی خاقانی ، رنگ یکی از عناصر بنیادین است .
- ۳- رنگ نقش اساسی در مضمون آفرینی خاقانی دارد.
- ۴- استفاده از رنگ های تیره بازتاب ناکامی های فردی و ناهنجاری های اجتماعی روزگار خاقانی است .

پیشینه ی تحقیق :

درباره ی تاثیر عنصر رنگ در شعر خاقانی ، تا آن جا که من جستجو کرده ام ؛ تا کنون تحقیقی مستقل صورت نگرفته است و فقط اشاره هایی گذرا به این مقوله در بعضی کتاب ها شده است ؛ از جمله ،مبحثی به عنوان رنگ در کتاب " تصویرهای زیبا در اشعار خاقانی " آمده است . با توجه به اهمیت رنگ در متون ادبی ، پژوهش هایی در این زمینه انجام شده است ؛ از جمله :

- تجلی رنگ در شاهنامه فردوسی از دکتر کاووس حسن لی و لیلا احمدیان
- بررسی رنگ در حکایت های هفت پیکر نظامی از دکتر زرین تاج واردی و آزاده مختاری
- بررسی و تحلیل عنصر رنگ در شعر معاصر از دکتر ناصر نیکو بخت و سید علی قاسم زاده
- زمینه های نمادین رنگ در شعر معاصر از دکتر ناصر نیکو بخت و سید علی قاسم زاده

- تحلیل رنگ در سروده های سپهری از دکتر کاووس حسن لی و مصطفی صدیقی

- رنگ در شعر معاصر از دکتر علی اکبر سام خانیانی

در این مقاله ها نویسندگان به طور نمادین به بیان مفهوم رنگ‌ها از جنبه های مختلف به ویژه از دیدگاه روان‌شناسی پرداخته اند .

روش تحقیق :

روشی که در تدوین این رساله به کار گرفته شده است ؛ روش توصیفی- تحلیلی است. ابتدا با مراجعه به کتاب‌خانه و منابع تحقیق ، به مطالعه و یادداشت برداری پیرامون رنگ و شعر خاقانی پرداخته شده است و سپس مطالب با توجه به اهداف ، طبقه بندی و تحلیل شده است و نمونه‌های مربوط به هر یک از فصل ها ذکر گردیده است .

این رساله مشتمل بر دو فصل است: در فصل اول به بیان کلیات و بررسی رنگ از زاویه های مختلف (زبان و ادب فارسی ، فرهنگ اسلامی ، عرفان ، اساطیر ، ادیان و ملل) و در فصل دوم به بیان رنگ در شعر خاقانی و بررسی آن از نظر جامعه شناختی ، زیبا شناختی ، روانشناختی پرداخته شده است.

با تحلیل سروده های خاقانی از جنبه های مختلف جامعه شناختی ، زیبا شناختی و روانشناختی با توجه به عنصر رنگ می‌توان تا حدودی با جهان بینی او و شیوه‌ی زندگی مردم آن روزگار آشنا شد و به قدرت هنری و خواسته ها و عواطف شاعر پی برد. او هنرمندی خلاق و حساس است که نگاهی عمیق به تمامی امور زندگی و محیط اطراف خود دارد و با نیروی تخیل و رنگ‌های گوناگون به آن ها طراوت و تازگی می‌بخشد. در سروده‌های خاقانی ۳۹۲۱ بار عنصر رنگ و مفاهیم آن مورد توجه قرار گرفته است که این رقم شامل خود واژه‌ی " رنگ " نیز می باشد. تجلی رنگ‌های گوناگون در سروده‌های خاقانی حاکی از بینش عمیق او به زندگی و روزگار است و بیانگر این حقیقت است که وی شخصیت زنده و پویایی دارد و علی رغم تمام سختی ها و تیرگی های فردی و اجتماعی می خواهد با تصاویر رنگین سروده های خود به انسان امید و نشاط ببخشد؛ اگر چه رنگ های تیره در سروده هایش جلوه ی بیشتری دارد.

نگارنده به استمداد الهی کوشیده است در حد توان خود زیبایی‌ها و هنر شعر خاقانی را از جنبه‌های مختلف جامعه شناختی، زیبا شناختی، روان شناختی بنمایاند تا ادب دوستان با یکی دیگر از شاعران زبان و ادب فارسی بیشتر آشنا شوند.

هر چند صادقانه باید اعتراف کنم که با همه‌ی کوشش‌ها در این رساله، کاری سزاوار طبع توانا و قدرت سحرانگیز کلام شاعر شروان و در خور انتظار استادان بزرگوار انجام نداده‌ام. در این رساله اگر حسنی است مرهون عنایت استادان محترم راهنما و مشاور است که با راهنمایی‌های بجا و دلسوزانه‌ی خود به من جرأت نوشتن دادند و اگر عیبی است از خامی‌های نگارنده است.

در پایان بر خود واجب می‌دانم که از زحمات و الطاف بی‌شائبه‌ی استاد ارجمند و بزرگوار جناب دکتر محمد بهنام فر تشکر نمایم که بارها با روی گشاده و راهنمایی‌ها و نکته‌سنجی‌های ارزشمند خود، نگارنده را به تامل بیشتر و با یاری بی‌دریغ خود شکلی مطلوب به این رساله بخشیدند، همچنین از استاد بزرگوار جناب دکتر علی اکبر سام‌خانیانی که با رهنمودهای روشنگرانه‌ی خود مرا در نگارش این رساله یاری نمودند، کمال تشکر را دارم.

و اینک سخن را با سپاسگزاری از تک‌تک استادان بزرگوار گروه ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند که در طول تحصیل از محضرشان بهره‌مند بوده‌ام به پایان می‌رسانم و از پیشگاه ایزد منان، برایشان آرزوی طول عمر و کامیابی می‌کنم.

امید است که این خدمت ادبی برای همه‌ی علاقه‌مندان به شعر و ادب و فرهنگ گرانبار این مرز و بوم مفید و سودمند افتد؛ ان‌شاءالله.

فصل اول : کلیات

۱.۱. گذری بر رنگ در ادب فارسی

واژه‌ی رنگ در دایره‌ی المعارف فارسی ، این گونه معنا شده است : « توزیع انرژی طیفی نوری که از یک سطح صادر یا به وسیله‌ی آن منعکس می‌شود (مصاحب . " رنگ ") .
در فرهنگ لغت نیز به معانی گوناگونی از رنگ ، چون : کیفیتی که از ظاهر چیزی دیده می‌شود ، لون ، گونه ، مکر و حيله ، تشبیه و نظیر ، شرم و حیا ، خیانت و ناراستی ، بز کوهی ، نفع و فایده ، رونق و ... اشاره شده است (دهخدا . " رنگ ") .

در زبان فارسی رنگ‌ها حضور چشمگیری دارند ، در گذشته مردمان شناخت اندکی از رنگ‌ها داشتند و بسیاری از رنگ‌های نزدیک به هم را یکسان می‌پنداشتند و مرز مشخصی برای رنگ‌ها قایل نبودند ؛ اما امروزه در زبان فارسی ، رنگ‌ها توسعه‌ی بسیار یافته است و امکانات ترکیب و ایجاد رنگ‌های گوناگون چندان گسترده است که شاید در هیچ زبانی نتوان برای یک رنگ‌ها برابری دقیق جستجو کرد (شفیعی ، ۱۳۷۰ : ۲۶۸) .

محیط جغرافیایی و شرایط اقلیمی در کاربرد رنگ‌ها ، سهم عمده‌ای دارد و این تفاوت را می‌توان در کاربرد رنگ‌ها در زبان مردمی که در صحرا هستند با مردمی که در کنار سواحل دریا و جنگل‌ها زندگی می‌کنند ، مشاهده کرد .

سرزمین ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و آب و هوای متنوع ، از تمامی رنگ‌ها در زبان فارسی بهره جسته است ؛ در حالی که در زبان عربی رنگ‌های اصلی سیاه و سفید و زرد و قرمز و خاکستری است (همان . ۲۶۹) . بعضی جوامع از رنگ‌های متنوع بهره می‌جویند : « قبیله‌ی دنکا – در

قسمت بالای نیل سفید زندگی می‌کنند - زبانشان از نظر رنگ‌ها بسیار غنی است و سموئیدها - در شمال روسیه - برای رنگ سربی ۱۲ نوع قائل‌اند و برای هر کدام واژه‌ای دارند « (همان . ۲۶۹) .
در شعر جاهلی رنگ‌ها به طبیعت پیرامون شاعر محدود می‌شود و به معنی رنگ‌ها علاقه‌ی بیشتری داشتند :

« عرب جاهلی رنگ سبز را - که یادآور مراتع خرم و چراگاههای خوب است - بیش از هر رنگ دیگری دوست داشته‌اند و در عوض رنگ قرمز را دوست نمی‌داشتند ، مثلا سال قرمز (السنة الحمراء) به معنی خشکسال بود و مرگ سرخ بدترین نوع مرگ و باد سرخ بدترین باد بود « (همان . ۲۶۹) .
رنگ به عنوان مهمترین عنصر در حوزه ی محسوسات ، سهم عمده ای در تصویرهای شاعرانه دارد. در دوره های ابتدایی شکل گیری شعر فارسی ، که تصویر سازی ها ، طبیعت گرایانه و گسترده و تفصیلی بود ، رنگ و رنگ آمیزی تصاویر بیشتر از دوره های دیگر مشاهده می‌شود از جمله در شعر شاعرانی چون کسایی و منوچهری که شعرشان آکنده از جلوه های طبیعت است. به تدریج با فاصله گرفتن شعر از وصف های ابتدایی و امور مادی و حسی و توجه به امور معنوی و انتزاعی ، عنصر رنگ کم رنگ می شود . « از اواخر قرن پنجم در شعر فارسی بسیاری از امور معنوی و انتزاعی را به رنگ کشیده اند « (همان . ۲۷۴) ، این توسعه ی زمینه ی رنگ به نیروی تخیل ، در صور خیال شاعران دوره ها بعد گسترش می یابد و در دوره ی معروف به دوره ی " شاعران سبک هندی " ، بسیاری از امور انتزاعی را به رنگ های مختلف وصف می کنند (همان . ۲۷۵) . در دوره های معاصر ، دایره ی معنوی رنگ ها گسترش بیشتری پیدا کرده است .

« بررسی ها نشان می‌دهد که در شعر کهن و معاصر فارسی رنگ از نظر کمی و کیفی در سطح وسیعی مورد استفاده ی شاعران قرار گرفته است . اما هیچ دوره ای از ادوار گذشته ی شعر فارسی در شیوه به کارگیری رنگ با شعر معاصر همسان نیست . چنانکه از نظر کمی رنگ ها متنوع و جدید چون سربی ، خاکستری ، پرتقالی ، و حتی رنگ نو ساخت بنفشایی وارد شعر شد « (سام خانیانی ، ۱۳۸۲ : ۱۹) .
در این قسمت با توجه به کاربرد رنگ در شعر شاعران فارسی زبان ، از شاعران مختلف نمونه هایی ذکر می شود .

رودکی ، پدر شعر فارسی ، در اشعار خود بیشتر در توصیف مناظر طبیعت ، زیبارویان و باده از عنصر رنگ بهره جسته است . در مورد بسامد رنگ های مختلف در شعر رودکی گفته شده است : «وی ۲۷ بار از رنگ قرمز ، ۲۵ مرتبه از رنگ سبز ، ۲۱ بار از رنگ زرد ، ۱۸ بار از رنگ آبی تیره ، ۱۴ مرتبه از رنگ سفید (خاکستری) ، ۷ بار از رنگ سیاه ، ۵ مرتبه از رنگ قهوه ای و ۳ بار از رنگ بنفش استفاده برده است .» (شعبانزاده ، ۱۳۸۹ : ۱۱۱) .

بسامد بالای رنگ سرخ نشانگر زندگی پر نشاط و جنب و جوش اوست .

او در توصیف بهار می گوید :

اکنون ز بهار مانوی طبع پر نقش و نگار همچو ژنگ است (رودکی، ۱۰۲:۷۲)

پوپک را این گونه وصف می کند :

پوپک دیدم به حوالی سرخس بانگک بربرده به ابر اندرا

چادرکی دیدم رنگین بر رنگ بسی گونه بر آن چادرا (همان، ۹۳)

کسایبی مروزی از گویندگان قرن چهارم هجری ، در توصیفات خود به عنصر رنگ توجه بسیاری دارد: « توجه خاص او به عنصر رنگ در صور خیال ، یکی از خصایص شعر اوست که حتی نسبت به معاصرانش برجستگی و امتیازی دارد .» (شفیعی کدکنی ، ۱۳۷۰ : ۴۳۰) . رنگ را در این ابیات کسایبی مشاهده می کنیم :

نیلوفر کبود مگر میان آب چون تیغ آبداده یا قوت آبدار

همرنگ آسمان و به کردار آسمان زردیش برمیانه چو ماه ده و چهار

چو راهبی که دورخ او سال و ماه زرد وز مطرف کبود ردا کرده و ازار (شعار، ۱۳۷۱:۳۳۱)

فرخی سیستانی از شاعران مشهور سبک خراسانی ، تصاویر زنده و رنگینی در وصف « ابر » دارد :

بر آمد فیرگون ابری ز روی نیلگون دریا چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا

تو گفתי گرد زنگار است بر آینه ی چینی تو گفתי موی سنجاب است بر پیروزه گون دیا

(فرخی سیستانی ، ۱۳۷۱ : ۱)

منوچهری دامغانی یکی از هنرمندترین نقاشان در خلق تابلوهای رنگین از مناظر و زیبایی‌های طبیعت است و تصاویر زیبایی را در برابر دیده‌ها مجسم می‌سازد. در ابیات زیر رنگارنگی تشبیهات او را در وصف باران می‌بینیم :

وان قطره باران که برافتد به گل زرد گویی که چکیده ست مل زرد به دینار
وان قطره باران زبر لاله احمر همچون شرر مرده فراز علم ناز (منوچهری ، ۱۳۷۰: ۴۸)

فردوسی در شاهنامه ی عظیم خود، بارها از عنصر رنگ بهره برده و در تاثیر و نفوذ سخن خود افزوده است .

« شاهنامه فردوسی ۴۱۹۷ بار عنصر رنگ مورد توجه قرار گرفته که ۳۲/۷۳٪ از آن مربوط به رنگ سیاه و سپید و ۶۷/۲۷٪ آن شامل رنگهای دیگر است » (حسن لی و احمدیان ، ۱۳۸۷: ۵۹) . در شاهنامه فردوسی به برخی رنگ ها عنایت بیشتری شده است :

رنگ سرخ ، سفید ، زرد ، سیاه ، نیلی و لاجوردی (فلاح رستگار ، ۱۳۵۷ : ۱۷۰).

در سوگ پادشاه می گوید :

همه جامه کرده کبود و سیاه نشسته به آندوه در سوگ پادشاه
(فردوسی ، ۱۳۷۳ ج.۱ : ۱۰۷)

آسمان را این گونه وصف می کند :

ز یاقوت سرخ است چرخ کبود نه از آب و گرد و نه از باد و دود (همان. ۱۷)

نظامی در هفت پیکر ، نگاه ویژه و خاصی به مقوله ی رنگ دارد . در حکایت های هفت پیکر ، میان رنگ های هر گنبد و محتوای حکایات ارتباط زیبایی است . هفت رنگ مطرح شده در هفت پیکر که هر کدام متعلق به یکی از گنبدهای هفتگانه می باشد ؛ شامل رنگ های سیاه ، زرد ، سبز ، سرخ ، پیروزه ، صندل و سپید است .

رنگ سرخ در گنبد مربوط به روز سه شنبه در هفت پیکر این گونه آمده است:

روز بهرام و رنگ بهرامی	شاه با هر دو گروه همنامی
سرخ در سرخ زیوری برساخت	صبحگه سوی سرخ گنبد تاخت
بانوی سرخ روی سقلابی	آن به رنگ آتش ، به لطف آبی (نظامی، ۱۳۸۷: ۲۱۵)